

ارمیا ایش 1

- 17** پس تو کمر خود را ببند و برخاسته، هر آنچه را من به تو امر فرمایم به ایشان بگو و از ایشان هراسان مباش، مبادا تو را پیش روی ایشان مشویش سازم.
- 18** زیرا اینک من تو را امروز شهر حصاردار و ستون آهنین و حصارهای برنجین به ضدّ تمامی زمین برای پادشاهان یهودا و سروران و کاهنانش و قوم زمین ساختم.
- 19** و ایشان با تو جنگ خواهند کرد اما بر تو غالب نخواهند آمد، زیرا خداوند می‌گوید: من با تو هستم و تو را رهایی خواهم داد.»

اعمال رسولان ایش 6+7

- 8** اما استیفان پر از فیض و قوّت شده، آیات و معجزات عظیمه در میان مردم از او ظاهر می‌شد.
- 9** و تنی چند از کنیسه‌های که مشهور است به کنیسه لیبرتینیان و قیروانیان و اسکندریان و از اهل فلیقییا و آسیا برخاسته، با استیفان مباحثه می‌کردند،
- 10** و با آن حکمت و روحی که او سخن می‌گفت، یارای مکالمه نداشتند.
- 11** پس چند نفر را بر این داشتند که بگویند، این شخص را شنیدیم که به موسی و خدا سخن کفرآمیز می‌گفت.
- 12** پس قوم و مشایخ و کاتبان را شورانیده، بر سر وی تاختند و او را گرفتار کرده، به مجلس حاضر ساختند.
- 13** و شهود کذب برپا داشته، گفتند که این شخص از گفتن سخن کفرآمیز بر این مکان مقدّس و تورات دست برنمی‌دارد.
- 14** زیرا او را شنیدیم که می‌گفت این عیسی ناصری این مکان را تپاه سازد و رسومی را که موسی به ما سپرد، تغییر خواهد داد.

54 چون این را شنیدند دلریش شده، بر وی دندانهای خود را فشردند.

55 اما او از روح القدس پر بوده، به سوی آسمان نگریست و جلال خدا را دید و عیسی را بدست راست خدا ایستاده و گفت،

56 اینک، آسمان را گشاده، و پسر انسان را به دست راست خدا ایستاده می‌بینم.

57 آنگاه به آواز بلند فریاد برکشیدند و گوشه‌های خود را گرفته، به یکدل بر او حمله کردند،

58 و از شهر بیرون کشیده، سنگسارش کردند. و شاهدان، جامه‌های خود را نزد پایهای جوانی که سولس نام داشت گذاردند.

59 و چون استیفان را سنگسار می‌کردند، او دعا نموده، گفت، ای عیسی خداوند، روح مرا بپذیر.

60 پس زانو زده، به آواز بلند ندا در داد که خداوند این گناه را بر اینها مگیر. این را گفت و خوابید.

متی ایش 23

34 لهذا الحال انبیا و حکماء و کاتبان نزد شما می‌فرستم و بعضی را خواهید کشت و به دار خواهید کشید و بعضی را در کنایس خود تازیانه زده، از شهر به شهر خواهید راند،

35 تا همه خونهای صادقان که بر زمین ریخته شد بر شما وارد آید، از خون هابیل صدیقتا خون زکریّا ابن برخیا که او را در میان هیکل و مذبح کشتید.

36 هر آینه به شما می‌گویم که این همه بر این طایفه خواهد آمد!

37 ای اورشلیم، اورشلیم، قاتل انبیا و سنگسار کننده مرسلان خود! چند مرتبه خواستم فرزندان تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه‌های خود را زیر بال خود جمع می‌کند و نخواستید!

38 اینک، خانه شما برای شما ویران گذارده می‌شود.

39 زیرا به شما می‌گویم از این پس مرا نخواهید دید تا بگویید مبارک است او که به نام خداوند می‌آید.